نظم و انضباط در سیرهٔ پیامبر اعظم صلی الله علیه و آله و نقش آن در موفّقیّت ایشان در دعوت جهانی خویش*

فیض‌الله اکبری دستک**

چکیده: سیاست راهبردی نظم و انضباط در همهٔ ابعاد شخصیّت و نیز حیات رسالی پیامبر اعظم را می‌توان از جمله عوامل و مؤلّفه‌های اثرگذار بر روند حاکمیّت و نیز سیرهٔ تبلیغی آن حضرت قلمداد کرد؛ به‌گونه‌ای که آن حضرت در تمامی شئون زندگی خویش فردی منضبط، هماهنگ و جدّی و با نظم بوده‌اند.

ابعاد مختلف این نظم و انضباط در سیره و حیات فردی، حیات رسالی و تبلیغی، به‌ویژه در دوران تشکیل حکومت اسلامی در مدینه و نیز در مدیریت سیاسی و نظامی پیامبر اعظم صلی الله علیه و آله از جمله مواردی است که نگارنده به بررسی و تبیین و تحلیل آنها می‌پردازد.

کلیدواژه‌ها: پیامبر اعظم صلی الله علیه و آله / نظم و انضباط / سیره / موفّقیّت / دعوت جهانی /امور سیاسی.

---

*. این مقاله از طرح پژوهشی نگارنده با عنوان «عوامل موفقیّت پیامبر اعظم صلی الله علیه و آله در دعوت جهانی خویش» در دانشگاه آزاد اسلامی، واحد کرج، استخراج و تدوین شده است.

**. استادیار دانشکدهٔ الهیات دانشگاه آزاد اسلامی، واحد کرج ـ مرکز تحقیقات علوم اسلامی و انسانی.
Email: f.akbri@kiau.ac.ir

[Downloaded from mail.safinahmagazine.ir on 2026-11-20]

[DOR: 20.1001.1.17350689.1390.8.31.6.0]

۱. مقدّمه (طرح مسئله)

شأن انسان عاقل، نظم و برنامه‌ریزی است و سیرهٔ پیامبران بر برنامه‌ریزی و نظمی الهی استوار می‌شود. مشی آنان چنین نبود که بدون برنامه‌ای مشخّص در دعوت گام نهند و در پیچ و خم روزمرگیها اسیر شوند. مقصد، راه، روش و جز اینها به اذن خدا برایشان روشن بود و در رویارویی با حوادثِ پیش آمده و مشکلات اجتماعی و اقتصادی نیز با برنامه‌ای الهی عمل می‌کردند.

نظم و انضباط، نه تنها در زندگی و سیرهٔ پیامبران الهی جاری و ساری بوده است، بلکه هستی، یعنی کتاب تکوینی خدا و نیز قرآن کریم، کتاب تشریعی و تدوینی خدا، از مظاهر بارز نظم کامل الهی‌اند. رسالت پیامبر اعظم صلی الله علیه و آله نیز این بود که مردم را قرآنی کند و با نظم الهی خوی دهد و به سعادت رساند:

﴿إنّ هذا القرآن یهدي للّتي هي أقوم و یبشّر المؤمنین الذین یعملون الصالحات أنّ لهم اجراً کبیراً﴾ (اسراء (۱۷) / ۹)

انسانی که تربیت قرآنی می‌یابد، به نظم و انضباطی همه‌جانبه می‌رسد و رسم و آیینش درست و استوار می‌شود؛ به همان دقّت و استواریِ نظم حاکم بر هستی. خداوند در قرآن کریم این نظم و نظم‌پذیری را یادآور می‌شود:

﴿و جعلنا اللّیل و النهار آیتین فمحونا آیة اللّیل و جعلنا آیة النهار مبصرة لتبتغوا فضلاً من ربّکم و لتعلموا عدد السّنین و الحساب و کلّ شيءٍ فصّلناهُ تفصیلاً﴾ (اسراء (۱۷) / ۱۲)

در همین راستا، امیرمؤمنان علی علیه السلام در نهج‌البلاغه نکاتی یادآور شده که بیانگر این حقیقت است؛ آنجاکه وجود نظم و انضباط را در کتاب آفرینش، ساری و جاری می‌داند:

... آنچه آفرید، سنجید و نیکش استوار کرد و پایان کارش را نگریست؛ پس به لطف تدبیرش راست کرد و بدانچه برایش آفریده شد، گسیلش داشت؛

[Downloaded from mail.safinahmagazine.ir on 2026-11-20]

[DOR: 20.1001.1.17350689.1390.8.31.6.0]

چنان که از حدّ خویش گامی فراتر نتوانست گذاشت... گشادگی و پستی و بلندی آسمان را بدون قید و تعلیق منظّم کرد، و آفتاب را نشانه ای قرار داد روشن‌کننده که به روز درآید، و ماه را نشانه‌ای قرار داد که تاریکی شب، نور آن بزداید. پس آفتاب و ماه را در منزلگاههایشان روان کرد و مدّت گردش آن دو را در خانه‌ها معیّن نمود تا بدین گردش، روز را از شب دانند و حساب سالیان و اندازه‌گیری زمان را توانند. (خطبهٔ ۹۱ و نیز: صدوق، التوحید، ص ۴۹)

آن که واجد تربیت الهی می‌شود و کتاب خدا در وجودش جلوه می‌کند، به نظمی الهی همسان کتاب تکوینی می‌رسد. ﴿*رسالت همهٔ پیامبران این بوده است که مردمان را پاک سازند و کتاب و حکمت آموزند و صفات و کمالات الهی را در آنان جلوه‌گر نمایند*﴾ (آل عمران (۳) / ۱۶۴). قرآن کتاب نظم الهی است و هرکه اخلاق قرآنی یابد، نظم الهی در او جلوه کند. و هرکه حکمت الهی بر جانش نشیند، به قالب جهانی عقلی، در صورت و کمال، درمی‌آید و همسانِ جهان خارج می‌گردد. از این‌رو، تلاش پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله برای ایجاد نظمی الهی، بخشی از هدف رسالت ایشان بوده است؛ همچنان که امیرمؤمنان علی علیه السلام در توصیف رسالت پیامبر و کتاب الهی فرموده است:

او را هنگامی فرستاد که پیامبران نبودند و امّتها در خواب غفلت می‌غنودند. رشته‌ها گسسته و بنای استوار دین شکسته بود. پس از آنان آمد، کتاب‌های پیشینیان را تصدیق‌کنان و با چراغی که ره جویند بدان. آن ـ کتاب خدا ـ قرآن است. از آن بخواهید تا سخن گوید و هرگز سخن نگوید. (نهج‌البلاغه، خطبهٔ ۱۵۸)

یوسف پیامبر علیه السلام با عنایتی که خداوند به او کرده بود، با شنیدن خواب ملک مصر، آن را تعبیر کرد و خود اجرای برنامهٔ اقتصادی چهارده ساله‌ای را به عهده گرفت و آن را چنان اجرا کرد که هیچ بحران و نابسامانی اقتصادی و اجتماعی به‌وجود نیامد.

[Downloaded from mail.safinahmagazine.ir on 2026-11-20]
[DOR: 20.1001.1.17350689.1390.8.31.6.0]

۲. ضرورت نظم و انضباط و ریشهٔ آن

بدون برنامه‌ریزی صحیح، هیچ کاری سامان نمی‌یابد. از این‌رو، پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و اوصیای آن حضرت می‌کوشیدند که مسلمانان به نظمی الهی در زندگی خود دست یابند. از جملهٔ این توصیه‌ها، تقسیم کردن اوقات و داشتن برنامه‌ای مشخّص در زندگی است. ابوذر غفاری روایت کرده که رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود:

بر هر عاقلی که زمام عقل از دستش بیرون نرفته، لازم است وقتهایی برای خود قرار دهد: وقتی برای راز و نیاز با پروردگار، وقتی به منظور محاسبه و رسیدگی به اعمال و کردار خود، وقتی برای تفکّر در آنچه خداوند دربارهٔ او انجام داده است و وقتی به منظور خلوت خویش و بهره گرفتن از حلال؛ که این وقت، کمکی است برای اوقات دیگر و سبب خرسندیِ خاطر و آسودگی دل می‌شود. (صدوق، خصال، ج ۲، ص ۵۲۵؛ همو، معانی الأخبار، ص ۳۳۴؛ مجلسی، ج ۷۱، ص ۳۲۳)

در این‌باره، امام کاظم علیه السلام چنین سفارش می‌نماید:

تلاش کنید که اوقاتتان چهار بخش باشد: بخشی برای مناجات با خدا، بخشی برای زندگی و معاش، بخشی برای معاشرت با برادران و مردمان مورد اعتماد که عیوبتان را به شما می‌فهمانند و از دل با شما اخلاص دارند، و بخشی هم خلوت کنید برای درک لذّتهای حلال که به وسیلهٔ این بخش بر انجام وظایف در آن سه بخش موفّق می شوید. (مجلسی، ج ۷۸، ص ۳۲۱)

نظم و برنامه‌ریزی نزد پیشوایان حق، از چنان جایگاهی برخوردار است که برترین تربیت شدهٔ قرآن و سیرهٔ پیامبر، حضرت علی علیه السلام در آخرین وصایای خود همه را بدان فرامی‌خواند:

أوصيكما و جميع ولدي و أهلي و من بلغه كتابي بتقوى الله و نظم أمركم.

(نهج البلاغه، نامهٔ ۲۷)

«مرابطه»، «مشارطه»، «مراقبه»، «محاسبه» و «معاتبه» همگی تلاشی است برای نظم الهی یافتن و در انضباط حق قرارگرفتن. رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود:

[Downloaded from mail.safinahmagazine.ir on 2026-11-20]

[DOR: 20.1001.1.17350689.1390.8.31.6.0]

به حساب خود برسید، پیش از آنکه به حسابتان برسند و کردار خود را بسنجید، پیش از آنکه آن را بسنجند. (نراقی، ج ۳، ص ۹۱)

۳. نظم و انضباط در سیرهٔ نبوی و ابعاد آن

نظم و انضباط در سیرهٔ پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله جایگاهی ویژه دارد. زمانی که پیامبر وارد خانه می‌شد، اوقات خود را تقسیم می‌کرد و هر بخش آن را برای انجام دادن برنامه‌ای خاص در نظر می‌گرفت؛ همان‌طور که در خبر مشهور فریقین آمده است. امام حسین علیه السلام از پدر بزرگوارش امیرمؤمنان حضرت علی علیه السلام دربارهٔ برنامه و وضعیّت پیامبر اعظم صلی الله علیه و آله در داخل خانه پرسید. امیرالمؤمنین علیه السلام چنین پاسخ داد:

رسول خدا صلی الله علیه و آله چون به خانه می‌رفت، اوقات خویش را سه قسمت می‌کرد: بخشی را برای خدا و بخشی را برای خانوادهٔ خود و بخشی را به خود اختصاص می‌داد؛ سپس بخشی را که به خود اختصاص داده بود، میان خود و مردم تقسیم می‌کرد و بخشی از آن را به مردم اختصاص می‌داد و عامّ و خاصّ را می‌پذیرفت و چیزی از آنان دریغ نمی‌داشت. (صدوق، معانی الاخبار، ص ۸۱)

۳ـ۱) نظم و انضباط در حیات فردی پیامبر صلی الله علیه و آله

گزارش سیره‌نویسان در احوال پیامبر و برخوردهای آن حضرت حاکی از این است که حضرتش، در همهٔ امور، منضبط و جدّی بود و مدیریتی مبتنی بر انضباط و جدیّت داشت. رسول خدا صلی الله علیه و آله چنان در همهٔ امور جدّی بود که به هیچ وجه، اهل اتلاف وقت و پرگویی نبود و هر کاری را که او را به مقصد نمی‌رساند، ترک می‌کرد؛ چنان‌که در روایت امام حسن و امام حسین علیهما السلام از هندبن ابی‌هاله و امیرالمؤمنین علیه السلام دربارهٔ آن حضرت آمده است:

کان رسول‌الله صلی الله علیه و آله... لا یتکلّم فی غیر حاجة: *رسول خدا صلی الله علیه و آله جز به هنگام نیاز سخن نمی‌گفت.*

[Downloaded from mail.safinahmagazine.ir on 2026-11-20]
[DOR: 20.1001.1.17350689.1390.8.31.6.0]

یخزن لسانه إلّا فیما یعنیه: *زبان خود را از سخنان بی‌مورد بازمی‌داشت و تنها در آنچه به او مربوط بود، سخن می‌گفت.*

قد ترك نفسه من الإكثار و ممّا لا یعنیه: *خود را از پرحرفی و گفتن مطالب بی‌فایده دور می‌داشت.*

و لا یتكلّم إلّا فیما رجا ثوابه: *و سخن نمی‌گفت، مگر در جایی که امید ثواب در آن داشت.* (همان، ص ۸۳)

نیز آورده‌اند: پیامبرﷺ چون کاری را شروع می‌کرد، آن را به انجام می‌رساند و چنان نبود که قسمتی از آن را انجام دهد و قسمتی را بگذارد. (ابن‌سعد، ج ۱، ص ۳۷۹)

رسول خداﷺ بر کامل انجام دادن کارها تأکید بسیار داشت و بر همین منطق عملی امور را اداره می‌کرد. داستان تدفین سعدبن معاذ، نمونه‌ای درخور توجّه بسیار است. امام صادقؑ فرمود: نزد پیامبر آمدند وگفتند سعدبن معاذ درگذشته است. رسول خداﷺ برخاست و اصحاب نیز همراه حضرتش برخاستند. پیامبر فرمود تا سعد را بشویند. در این هنگام، به چارچوبِ در تکیّه کرده بود. چون سعد را شستند و حنوط کردند و کفن پوشانیدند و در تابوت نهادند، رسول خداﷺ پای برهنه و بی‌ردا در پی آن به راه افتاد وگاه طرف راست تابوت وگاه طرف چپ آن را می‌گرفت تا به قبرستان رسیدند. پس از کندن قبر، رسول خداﷺ خود داخل قبر شد و لحد وی را چید و آن را باگِل محکم کرد و پیوسته می‌فرمود: «*سنگ بدهید، گِل بدهید.*» و به‌وسیلهٔ آن، میان خشتها را محکم می‌کرد. چون از کار محکم ساختن لحدها فارغ شد و بر آن خاک ریخت وگور را پر کرد، فرمود: «*من نیک می‌دانم که این قبر فرسوده خواهد شد و دستخوش پوسیدگی خواهد گردید، ولی خداوند بنده‌ای را دوست دارد که چون کاری را انجام می‌دهد، آن را محکم و استوار کند.*» (صدوق، امالی، ص ۳۱۴؛ حرّ عاملی، ج ۲، ص ۸۸۴)

نیز از امام صادقؑ در حدیثی آمده است که چون ابراهیم فرزند رسول

[Downloaded from mail.safinahmagazine.ir on 2026-11-20]
[DOR: 20.1001.1.17350689.1390.8.31.6.0]

خداﷺ درگذشت، پس از دفن او پیامبر متوجّه شد که در قبر شکافی وجود دارد؛ حضرتش با دست خود آن را پر و محکم کرد، آنگاه فرمود: «**إذا عمل أحدكم عملاً فليتقن**: *هر یک از شما چون کاری را انجام می‌دهد، باید محکم و استوار انجام دهد.*» (کلینی، ج ۳، ص ۲۶۳)

رسول خداﷺ بر انضباط و جدّی‌گرفتن همهٔ امور تأکید داشت و دربارهٔ صفهای نماز می‌فرمود: «*میان صف ها را پر کنید و دوش به دوش یکدیگر بایستید تا شیطان بر شما غلبه نکند.*» (طوسی، ج ۱، ص ۳۳۳)

نیز می‌فرمود: «*ای مردم صفهایتان را منظّم کنید و دوش به دوش بایستید تا فاصله و جدایی و خللی میان شما نباشد، و نامرتّب نباشید وگرنه خداوند دلهای شما را از یکدیگر دور می‌گرداند و بدانید که من شما را از پس سر می‌بینم.*» (برقی، ص ۸۰)

رسول خداﷺ چنان بر این مسئله تأکید داشت که این‌گونه مسلمانان را هشدار می‌داد. آنان باید بدانند که جامعهٔ منضبط و جدّی در همهٔ امور چنین است و نماز بالاترین تمرین برای یافتن نظم الهی است.

۳ـ۲) نظم و انضباط در سیرهٔ تبلیغی پیامبر

سیرهٔ تبلیغی رسول خداﷺ راه و رسمی منظّم و منضبط داشت و از ابتدای رسالت تا رحلت، نهضت تبلیغی خود را با نظمی الهی پیش برد. مواضع، اقدامات و برنامه‌های پیامبر در این‌باره کاملاً گویاست که به نمونه‌هایی اشاره می‌شود.

۳ـ۲ـ۱) آشکار ساختن دعوت و برنامهٔ رسالت

محدّثان، مورّخان و مفسّران شیعه و سنّی روایت کرده‌اند که پس از نزول آیهٔ ﴿**و أنذر عشيرتك الأقربين**﴾، بستگان خود را به خانهٔ عمویش ابوطالب فراخواند. در آن روز (یوم الانذار) چهل نفر گرد آمدند. پیامبر در آن جمع فرمود:

ای فرزندان عبدالمطّلب! خداوند مرا به سوی همهٔ مردمان و به‌ویژه به‌سوی شما برانگیخته و فرموده است: ﴿خویشاوندان نزدیک خود را بیم

[Downloaded from mail.safinahmagazine.ir on 2026-11-20]
[DOR: 20.1001.1.17350689.1390.8.31.6.0]

ده». اینک من شما را به دو کلمه فرامی‌خوانم که بر زبان سبک است و در میزان سنگین؛ که به سبب آن زمامدار عرب و عجم شوید و امّتها پیرو شما گردند، و داخل بهشت شوید و از آتش نجات یابید: اینکه به یگانگی خدا و پیامبری من گواهی دهید. هرکس از شما امروز دعوت مرا بپذیرد و مرا در این امر یاری کند، به منزلهٔ برادر، وزیر، وصی، وارث و جانشین من پس از من خواهد بود.

در آن روز، کسی از ایشان به پیامبر پاسخ موافق نداد تا امیرمؤمنان علیه‌السلام برخاست و گفت: *«من یاری‌ات می‌کنم ای رسول خدا! من در این امر یاری‌ات می‌کنم.»*

پیامبر فرمود: *«بنشین!»* و سخن خود را با آن جمع تکرار کرد. پاسخ آنان سکوت بود! بار دیگر علی علیه‌السلام بود که برخاست و همان سخن را گفت و پیامبر مجدداً فرمود: *«بنشین!»* برای بار سوم دعوت خویش را تکرار کرد و از کسی ندایی برنخاست؛ باز هم علی علیه‌السلام بود که برای بار سوم بلند شد و گفت: *«من در این امر یاری‌ات می‌کنم ای رسول خدا»*. پیامبر فرمود: «**اجلس ! فأنت أخي و وزيري و وصيّي و وارثي و خليفتي من بعدي.**» (احمدبن حنبل، ج ۱، ص ۱۲۰؛ طبری، ج ۲، ص ۳۲۰)

می‌بینیم که پیامبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله در آغاز دعوت علنی، در ضمن بیان اصول و مبانی دعوت خویش و روشن ساختن افق حرکت و مقصد رسالت (عبودیّت)، به مسئلهٔ تداوم دعوت پس از خود نیز به صراحت پرداخته است. این در حالی بود که هنوز اسلام سالهای نخستین را می‌گذراند و این برنامه در تصوّر سران قریش نیز نمی‌گنجید.

۳ـ۲ـ۲) بیعت دوم عقبه و تعیین نقبا

سالهای آخر دوران مکّی، سالهای نفوذ و گسترش اسلام در مدینه بود و پیامبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله نخستین تشکّل سیاسی را برای ایجاد نظم و انضباط و ادارهٔ امور در آنجا به‌وجود آورد.

در سال سیزدهم بعثت، چون موسم حجّ فرارسید، کاروانی حدود پانصد نفر از

[Downloaded from mail.safinahmagazine.ir on 2026-11-20]

[DOR: 20.1001.1.17350689.1390.8.31.6.0]

مردم مدینه رهسپار مکّه شدند. در میان آنان، هفتاد مرد یا هفتاد و سه مرد و دو زن مسلمان نیز بودند. (ابن‌هشام، ج ۲، ص ۴۹)

مسلمانان با یکدیگر قرار گذاشته بودند که در حجّ با رسول خدا ﷺ دیدار کنند. در آن زمان، اسلام در مدینه نفوذ یافته و آشکار شده بود. برخی از آن گروه با پیامبر دیدار کردند. آن حضرت در محل عقبهٔ منی هنگام شب با آنان وعدهٔ ملاقات گذاشت؛ و به آنان فرمان داد که فرد خفته را بیدار نکنند و منتظر غایبان نیز نشوند. پیامبر اکرم ﷺ تأکید داشت که این ملاقات کاملاً مخفی بماند و مشرکان و سران قریش، از آن باخبر نشوند.

شب موعود، پس از آنکه همه به خواب رفتند و ثلثی از شب گذشت، مسلمانان یکی پس از دیگری، پنهانی به سوی وعده‌گاه حرکت کردند. آنان بدون اینکه کسی از حرکتشان آگاه شود، درون درّه‌ای در عقبهٔ منی گرد آمدند.

در آنجا در منزلی که به عبدالمطّلب تعلّق داشت، با پیامبر دیدار کردند؛ در حالی‌که حمزه، علی علیه‌السلام و عبّاس همراه آن حضرت بودند. (مجلسی، ج ۱۹، ص ۱۲)

این اقدام، نخستین گام اساسی بود در ایجاد انضباط الهی، در شهری که به‌زودی مرکز جامعهٔ دینی و حکومت اسلامی می‌شد. گامهای بعدی در همین جهت بود.

۳ـ۲ـ۳) مسجد مدینه

آن‌گاه که پیامبر ﷺ به یثرب (مدینة النبی) گام نهاد، نخستین اقدام تأسیسی آن حضرت ایجاد «مسجد» بود. رسول خدا ﷺ می‌خواست نظمی نوین و الهی برقرار سازد و این نظم جز با همسویی قوای فرد و جامعه در جهتی الهی میسّر نیست؛ و مسجد سنگ زیرین نظام الهی پیامبر بود.

بدین ترتیب، پیامبر نظمی نوین و الهی را در میان امّت خود پی‌ریزی کرد و آنان را به سوی کمال مطلق فراخواند. آنچه به‌عنوان پیمان عمومی یا نظامنامهٔ مدینه اعلام شد نیز اقدامی در این جهت بود.

[Downloaded from mail.safinahmagazine.ir on 2026-11-20]
[DOR: 20.1001.1.17350689.1390.8.31.6.0]

[Downloaded from mail.safinahmagazine.ir on 2026-11-20]

[DOR: 20.1001.1.17350689.1390.8.31.6.0]

۳ـ۲ـ۴) نخستین نظامنامه

به وجود آوردن امّتی واحد و دولتی قادر، بدون فراهم کردن امنیّتی همه جانبه و نظمی فراگیر و از بین بردن کلیهٔ اختلافها میسّر نبود. با هجرت مسلمانان به مدینه و تأسیس دولت، نیاز به قانونی فراگیر بود تا اختلافها و نزاعها را از بین برد و نظم و امنیّت را حاکم کند.

پس از هجرت، بافت اجتماعی مدینه بیش از پیش، ناهمگون شده بود و وجود اقوام و قبایل و طوایف گوناگون و متعدّد در آن، مانعی جدّی بر سر راه امّت و دولت بود. از یک‌سو، مهاجران که اهل مکّه بودند و خلق و خوی و آداب و رسوم خود را داشتند و از دیگر سو، انصار که اهل مدینه بودند و بر آداب و تربیتی دیگر بودند. علاوه بر این، میان خود مهاجران (قبایل و طوایف مختلف) و میان خود انصار (قبایل اوس و خزرج و طوایف گوناگون آنها) اختلافهایی بود. یهودیان مدینه نیز با این امّت و دولت در تعارض بودند.

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله در همان سال نخست، پیمان عمومی مدینه (نخستین نظامنامه) را اعلام کرد. رسول خدا صلی الله علیه و آله این پیمان را برای مهاجران و انصار از یک‌سو و یهودیان مدینه از سوی دیگر تدوین کرد و یهودیان را در دین و دارایی خویش آزاد گذاشت و شرطهایی برای آنان قرار داد (ابن‌هشام، ج ۲، ص ۱۱۹) در آغاز این نظامنامه چنین آمده بود: *«به نام خداوند بخشندهٔ مهربان، این نامه‌ای است از محمّد پیامبر خدا صلی الله علیه و آله میان مؤمنان و مسلمانان قریش و یثرب و کسانی که از ایشان پیروی کنند و به آنان بپیوندند و همراهشان کارزار کنند. ایشان امّتی واحدند و از امّتهای دیگر جدایند.»* (همان، ص ۱۲۰) با این جهت‌گیری، حدّ و حدود و ضوابط لازم برای شکل‌گیری دولت مدینه اعلام شد.

۳ـ۳) نظم و انضباط در مدیریت سیاسی ـ نظامی پیامبر

مسئولیت پیروان در برابر رهبران ایجاب می‌کند که هماهنگی کامل با آنان را

حفظ کنند و در هیچ کاری و هیچ سخن و برنامه‌ای بر آنان پیشی نگیرند و از نابسامان شدن امور و بی‌نظمی بپرهیزند. مدیریت بدون رعایت انضباط و فارغ از جدّیت هرگز به سامان نمی‌رسد و چنان‌چه عناصر یک مجموعه خودسرانه یا سست عمل کنند، شیرازهٔ کارها از هم می‌پاشد. (مکارم شیرازی، ج ۲، ص ۱۳۷)

آنچه در پیکار اُحد روی داد، محصول عدم رعایت این امر از جانب گروهی از مسلمانان بود. در جنگ اُحد رسول خدا ﷺ پنجاه مرد تیرانداز را به فرماندهی عبدالله‌بن جبیر بر شکاف گماشت و به آنان فرمود: «*شما مراقب پشت سر ما باشید. زیرا می‌ترسم که دشمن از پشت سر حمله کند. بنابراین شما در جای خود استوار بمانید و تکان نخورید. اگر دیدید که ما آنان را هزیمت دادیم و حتّی وارد لشکرگاه آنان شدیم، باز هم از جای خود حرکت نکنید. حتّی اگر دیدید که ما کشته شدیم، باز هم به فکر یاری و دفاع از ما نباشید. خدایا، من تو را بر ایشان گواه گیرم.*» همچنین فرمود: «*سواران دشمن را تیرباران کنید؛ زیرا سواران در برابر تیر نمی‌توانند پیش آیند.*» (واقدی، ج ۱، ص ۲۲۳)

عملکرد اصحاب در آن رویداد نشان داد که کسانی که برای اصحاب نوعی عصمت قائل‌اند و تمام رفتارهای آنها را حجّت می‌دانند، در چه خطایی هستند!

آنان بی‌انضباطی کردند و با مشاهدهٔ پیروزی مسلمانان، برای جمع‌آوری غنائم، سنگر خود را خالی کردند. دشمنِ شکست‌خورده، از این بی‌انضباطی و سستی حافظان شکاف به‌خوبی بهره گرفت. خالدبن ولید که مترصّد فرصت بود، با دویست نفر کوه را دور زد و از پشت به مسلمانان حمله کرد. صحنهٔ پیکار دگرگون و پیروزی به شکستی سخت تبدیل شد. بدین ترتیب، با سهل انگاری عدّه‌ای، مصیبتی سخت برای مسلمانان پیش آمد که سنّت خدا بر همگان یکسان جاری است و آن شکست و مصیبت، نتیجهٔ قطعی عملکردشان بود.

در تاریخ مدیریت بیست و سه سالهٔ پیامبر اکرم ﷺ مواردی وجود دارد که افرادی بر فرمان او پیشی گرفته، یا عقب افتاده‌اند و به سبب بی‌انضباطی خود مورد

[Downloaded from mail.safinahmagazine.ir on 2026-11-20]
[DOR: 20.1001.1.17350689.1390.8.31.6.0]

ملامت و سرزنش شدید آن حضرت قرارگرفته‌اند.

از امام صادق علیه‌السلام روایت شده است: هنگامی که رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله برای فتح مکّه حرکت کرد، ماه مبارک رمضان بود و آن حضرت و اصحابش روزه‌دار بودند. در آن میان جمعی نیز پیاده حرکت می‌کردند. وقتی به منزل «کـراع الغـمیم»[1] رسـیدند، حضرت دستور داد ظرف آب آوردند و بین ظهر و عصر بود که با آن آب افطار کرد و اصحاب نیز افطار کردند؛ امّا جمعی حاضر به افطار نشدند و بر روزهٔ خـود بـاقی ماندند. پیامبر آنان را عُصاة (جمعیّت سرکش) نامید. (کلینی، ج ۴، ص ۱۲۷؛ همین مضمون در: واقدی، ج ۲، ص ۸۰۲). این تعبیر ضربه‌ای بر آنان بود تا به خود آیند و منضبط شوند و نیز هشداری بود برای دیگران.

از موارد دیگر بی‌انضباطی اصحاب پیامبر که نتیجه‌ای جز نـدامت بـرای آنـان نداشت، مخالفت آنان با پیمان‌نامهٔ صلح حدیبیه بود؛ صلحی که سودمندتر و پر برکت‌تر از آن در تاریخ زندگی پیامبر نبود و خداوند آن را «فتح مبین» خواند و به سبب آن بود که راه فتح مکّه هموار شد. واقدی به اسناد خود آورده است که چون صلح کردند و فقط نوشتن صلحنامه باقی مانده بود، ناگهان عمربن خطاب از جای برجست و گفت: *«ای رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله مگر ما مسلمان نیستیم؟»*

رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله فرمود: *«چرا، مسلمانیم.»* عمر گفت: *«پس چرا در دین خود اظهار خواری و کوچکی کنیم؟»*

حضرتش فرمود: *«من بندهٔ خدا و فرستادهٔ او هستم و هرگز با فرمان خدا مـخالفت نمی‌کنم و او هم هرگز مرا تباه نخواهد کرد.»* ولی این قضیّه بر عمر بسیار سنگین بود و از آن سخت ناراحت بود. بدین روی، مرتّب به رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله اعتراض می‌کرد و می‌گفت: *«چرا باید چنین کنیم و در دین خود اظهار خواری و کوچکی نماییم؟»* و رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله نیز می‌فرمود: *«من فرستادهٔ خدا هستم و او هرگز مرا تباه نمی کـند.»* و عـمر

۱. «کراع الغمیم» نام وادیی میان مکّه و مدینه، در دو منزلی مکّه است. (حموی، ج ۴، ص ۴۴۳)

[Downloaded from mail.safinahmagazine.ir on 2026-11-20]
[DOR: 20.1001.1.17350689.1390.8.31.6.0]

همچنان پاسخ پیامبرﷺ را می‌داد. ابن‌عبّاس گوید: «*عمر هنگام خلافت خود این قضیه را برایم تعریف کرد و گفت: در آن هنگام، دچار چنان شکّ و تردیدی شده بودم که از ابتدای مسلمانی خود تا آن روز گرفتار چنان تردیدی نشده بودم، و اگر در آن روز گروهی را می‌یافتم که به سبب آن قضیّه از مسلمانی دست برمی‌داشتند، من نیز دست از مسلمانی می‌کشیدم. ولی خداوند تبارک و تعالی سرانجام آن را خیر و رشد قرار داد. و رسول خداﷺ داناتر بود.*» ابوسعید خدری نیز گوید: «*روزی نزد عمر نشسته بودم و عمر این قضیّه را برایم تعریف کرد و گفت: در آن روز گرفتار چنان شکّ و تردیدی شدم که پاسخ پیامبرﷺ را آن‌گونه دادم که هرگز چنان نگفته بودم... به خدا سوگند، در آن روز چنان شک و تردیدی به دلم راه یافته بود که با خود می‌گفتم اگر صد نفر هم رأی می‌بودیم، هرگز تن به آن صلح نمی‌دادیم.*» (ابن‌هشام، ج ۳، ص ۳۶۶)

البتّه پس از فراغت از صلحنامه، وقتی پیامبر به اصحاب خود فرمود: «*برخیزید و قربانیهای خود را بکشید و سرهایتان را بتراشید*»، باز تعلّل ورزیدند و بی‌انضباطی نشان دادند، امّا به‌زودی، به سامان آمدند و فرمان پیامبر را اجابت کردند. (واقدی، ج ۲، ص ۶۰۷)

بدین ترتیب مشاهده می‌شود که چگونه بی‌انضباطی موجب پشیمانی و ندامت می‌گردد و ممکن است اساس یک مدیریت صحیح را در هم ریزد و مانع تحقق برنامه‌ها شود.

در حجّةالوداع نیز پیامبر فرمان داد که هرکس قربانی با خود نیاورده، ابتدا باید عمره به‌جا آورد و از احرام بیرون آید، سپس مراسم حج را انجام دهد؛ و آنان که با خود قربانی همراه آورده‌اند باید بر احرام خود باقی بمانند. برخی از این فرمان پیروی کردند و برخی مخالفت. پیامبر اکرمﷺ از تخلّف و بی‌انضباطی آنان به شدّت ناراحت شد و آنان را سخت سرزنش کرد. (مفید، ص ۹۳)

آن حضرت خواهان آن بود که نظمی الهی بر یارانش حاکم باشد و برای رسیدن

[Downloaded from mail.safinahmagazine.ir on 2026-11-20]
[DOR: 20.1001.1.17350689.1390.8.31.6.0]

به این مقصد هرگز از شیوه‌های غیر الهی بهره نجست. مدیریت آن حضرت مدیریت بر قلبها بود. بدین روی، یارانش را با شیوه‌های استبدادی منضبط نمی‌کرد؛بلکه آنان را به‌گونه‌ای سیر می‌داد که ضرورت حیاتی انضباط و جدیّت را دریابند. رسول خدا صلی الله علیه و آله در پیِ آن بود که مردمش تربیت قرآنی یابند که قرآن کریم، کتاب نظم الهی است. اخلاق رسول خدا صلی الله علیه و آله قرآن بود و پیروان خود را چنین می‌خواست. تربیت‌یافتگان سیرهٔ آن حضرت نیز همین‌گونه بودند، منضبط و جدّی در همهٔ امور، چنان که آن اسوهٔ کامل بود.

المؤمن یعاف اللّهو و یألف الجدّ.

مؤمن بیهودگی را کنار می‌زند و جدّیت را به کار می‌بندد. (آمدی، ج ۱، ص ۷۴)

فهرست منابع

ـ قرآن کریم. ترجمه و توضیح سیدجلال الدین مجتبوی.

ـ نهج البلاغه. ترجمه و توضیح محمد دشتی.

۱. آمدی تمیمی، عبدالواحد. غررالحکم و دررالکلم. بی تا، بی جا.

۲. ابن‌احمد السمهودی، نورالدین علی. وفاء الوفاء بأخبار دارالمصطفی. تحقیق محمّد محیی‌الدین عبدالحمید. بیروت: داراحیاء التراث العربی، ۱۴۰۴ ق.

۳. ابن‌الجوزی، ابوالفرج عبدالرحمن‌بن علی. الوفاء بأحوال المصطفی. تحقیق مصطفی عبدالواحد. مصر: دارالکتب الحدیثه، ۱۳۸۶ ق.

۴. ابن‌کثیر دمشقی، اسماعیل‌بن عمر. شمائل الرسول. شرح مصطفی عبدالواحد. بیروت: دارالرائد العربی، ۱۴۰۷ ق.

۵. ابن‌سعد، ابوعبدالله محمّد. الطبقات الکبری. بیروت: دار بیروت، ۱۴۰۵ ق.

۶. ابن‌هشام، عبدالملک. سیرة النبّی. تحقیق محمّد محیی‌الدین عبدالحمید. بیروت: دارالفکر.

[Downloaded from mail.safinahmagazine.ir on 2026-11-20]

[DOR: 20.1001.1.17350689.1390.8.31.6.0]

۷. ابن‌حبان، ابوحاتم محمّد. السیره النبویه و أخبار الخلفاء. تصحیح سید عزیز بک، بیروت: مؤسسه الکتب الثقافیه، ۱۴۰۷ ق.

۸. ابی‌شیخ، ابومحمّد عبدالله. اخلاق النبی و آدابه. تحقیق عبدالله محمّد الصدیق. قاهره: مطابع الهلالی، ۱۳۷۸ ش.

۹. بخاری، محمّدبن اسماعیل. صحیح البخاری. تحقیق قاسم الشماعی. بیروت: دارالقلم، ۱۴۰۷ ق.

۱۰. برقی، احمدبن محمّدبن خالد. المحاسن.

۱۱. بلاذری، احمدبن یحیی. فتوح البلدان. تعلیق رضوان محمّد رضوان. بیروت: دارالکتب العلمیّة، ۱۳۹۸ ق.

۱۲. ــــــــــ. أنساب الأشراف. تحقیق محمّد حمیدالله، قاهره: دارالمعارف، ۱۹۵۹ ق.

۱۳. ترمذی، محمّدبن عیسی، الشمائل النبویّة. تاشکند: ۱۴۰۰.

۱۴. حرّ عاملی، محمّدبن حسن. وسائل الشیعه. تصحیح عبدالرحیم ربانی شیرازی. بیروت: داراحیاء التراث العربی.

۱۵. زواوی، احمدبن عبدالفتاح. شمائل الرسول. اسکندریه: دارالقمه، بی‌تا.

۱۶. صدوق، محمّدبن علی. الأمالی. بیروت: مؤسسه الأعلمی، ۱۴۰۰.

۱۷. ــــــــــ. الخصال. تصحیح علی‌اکبر غفاری، تهران: مکتبة الصدوق، ۱۳۸۹ ق.

۱۸. ــــــــــ. عیون اخبار الرضا علیه‌السلام. تصحیح مهدی حسینی لاجوردی. تهران: انتشارات جهان.

۱۹. ــــــــــ. معانی الأخبار. تصحیح علی‌اکبر غفاری. تهران: مکتبة الصدوق، ۱۳۷۹ ق.

۲۰. طبری، محمّدبن جریر. تاریخ الطبری. بی‌تا، بی‌جا.

۲۱. طوسی، محمّدبن حسن. تهذیب الأحکام. تحقیق سیّد حسن خرسان. تهران: دارالکتب الاسلامیه، ۱۳۹۰ ق.

۲۲. غزالی، ابوحامد محمّدبن محمّد. احیاء علوم الدین. بیروت: دارالعلم، بی‌تا.

۲۳. قشیری نیشابوری، مسلم‌بن حجاج. صحیح مسلم. بیروت: دارالکتب العربی، ۱۴۰۷.

۲۴. قاضی عیاض، عیاض‌بن موسی. الشفابتعریف حقوق المصطفی. تحقیق لی محمّد البجاوی. بیروت: دارالکتب العربی.

[Downloaded from mail.safinahmagazine.ir on 2026-11-20]
[DOR: 20.1001.1.17350689.1390.8.31.6.0]

۲۵. کلینی، محمّدبن یعقوب. الکافی. تصحیح علی‌اکبر غفاری، تهران: دارالکتب الاسلامیه، ۱۳۸۸ ق.
۲۶. مکارم شیرازی، ناصر. تفسیر نمونه. تهران: دارالکتب الاسلامیّة، بی‌تا.
۲۷. مالک‌بن انس، ابوعبدالله. الموطّأ. تصحیح محمّدفؤاد عبدالباقی. بیروت: داراحیاء التراث العربی، ۱۴۰۶.
۲۸. مجلسی، محمّدباقر. بحارالأنوار. بیروت: دار احیاء التراث العربی، ۱۴۰۳.
۲۹. متّقی هندی، علاءالدین. کنزالعمال. بیروت: مؤسسة الرسالة، ۱۴۰۹.
۳۰. مفید، محمّدبن نعمان. الارشاد. تهران: دارالکتب الاسلامیه، ۱۳۷۷ ق.
۳۱. نراقی، محمّدمهدی. جامع السعادات. تحقیق سیّد محمّد کلانتر. منشورات جامعه النجف الدینیه، ۱۳۸۳ ق.
۳۲. الواقدی، محمّدبن عمر. المغازی. بیروت: مؤسسه الأعلمی، ۱۴۰۹.
۳۳. یاقوت حموی، شهاب الدین. معجم البلدان. بیروت، ۱۴۰۸.
۳۴. نرم افزار «دانشنامهٔ نبوی»، قم: مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی.

[Downloaded from mail.safinahmagazine.ir on 2026-11-20]
[DOR: 20.1001.1.17350689.1390.8.31.6.0]